

تقریر درس خارج فقه نظام خانواده آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام	قادر بریسم	جلسه	تاریخ	۱۴۰۴ / ۰۷ / ۱۰
عنوان ۱	فصل اول: کلیات احکام ازدواج				
عنوان ۲	مطلب پنجم: شروط وجوب نکاح یا انکاح				
عنوان ۳	شرایط صحت نکاح				
عنوان ۴	شرط بلوغ				
عنوان ۵	فرع ششم: ولایت پدر و جد در نکاح صغیرین				
عنوان ۶	مسأله نخست: فی ولایة الأب علی نکاح الصغیرین				
عنوان ۷	فرع نخست: جواز تزویج صغیر و صغیره توسط پدر				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

فرع ششم: ولایت پدر و جد در نکاح صغیرین

موضوع بحث ما در فقه خانواده، پیرامون بررسی شرایط صحت عقد است. پس از بیان مسأله بلوغ، در ذیل آن، فرع ششم این مبحث را با عنوان «فی ولایة الأب و الجد علی نکاح الصغیرین غیر البالغین» مطرح می‌کنیم. در این بخش، به بررسی این مسأله می‌پردازیم که آیا پدر و جد پدری می‌توانند به طور مستقل یا مشترک، صغیر و صغیره را به عقد نکاح درآورند یا خیر و حدود اختیارات ایشان در این زمینه چیست؟ در اینجا چند مسأله قابل طرح است:

مسأله نخست: فی ولایة الأب علی نکاح الصغیرین

ادعای اجماع شده است که «أب» بر نکاح صغیرین ولایت دارد و این ولایت، دارای فروعی است:

فرع نخست: جواز تزویج صغیر و صغیره توسط پدر

آیا برای پدر جایز است که صغیره یا صغیر غیربالغ را به ازدواج دیگری درآورد؟ آری، این امر برای او جایز است؛ اما بحث در این است که آیا صغیر پس از بلوغ، حق امضا یا رد این ازدواج را دارد یا خیر؟ برخی که در فرهنگ غیرانسانی، بلکه ضدانسانی غرب، پرورش یافته‌اند، چنین احکامی را برنمی‌تابند. در کشور ما نیز بسیاری از احکام را به بهانه ضرورت، مورد انتقاد و تخریب قرار داده‌اند؛ اما حقیقت آن است که پدر می‌تواند برای فرزند خود، چه دختر و چه پسر، از سنین کودکی، همسر برگزیند؛ ولی نه بدین معنا که کودکی دوساله را به همسری

شخصی هفتادساله درآورد؛ بلکه برای پیوند یک دختر و پسر صغیر، دست به چنین اقدامی می‌زنند تا از همان کودکی به یکدیگر پیوند بخورند؛ لذا دو خانواده یا همسایه تصمیم می‌گیرند که دخترعمو و پسرعموی چندساله خود را به عقد ازدواج یکدیگر درآورند و این امر، موجب ضرر به دیگران نیز نیست؛ اما پس از رشد و بلوغ، اگر در پی بررسی، خود را هم کفو یکدیگر یافتند، آن ازدواج را ادامه می‌دهند وگرنه آن را بر هم می‌زنند. این رویکرد دارای فلسفه‌ای عمیق و آثار اجتماعی مثبتی است. لازم هم نیست که این پیوند حتماً به عنوان همسری باشد؛ بلکه با عنوان دوست‌دختر و دوست‌پسر اما به صورت شرعی نیز ممکن است. اگر چنین احکامی را جدی می‌گرفتیم، مشکلات کنونی در روابط دختر و پسر را شاهد نبودیم و میلیون‌ها دختر و پسر به بهانه نیافتن مورد مناسب ازدواج، مجرد باقی نمی‌ماندند. لذا اشکالی ندارد که این دو، پیش از بلوغ، با هم پیوند یابند و پس از رسیدن به بلوغ، اگر رضایت داشتند، تحت نظر دولت، آن را ادامه دهند وگرنه به آن خاتمه بخشند. این در حالی است که ما موانع بسیاری بر سر این امر مهم قرار داده‌ایم؛ چنانکه مثلاً اگر دختری در ۱۴ یا ۱۵ سالگی ازدواج کرده باشد، با محدودیت‌هایی چون عدم اجازه ورود به مدرسه مواجه می‌گردد.

پرسشگر: آیا این ازدواج برای صغیرین، مصلحتی در بر دارد؟

معظم‌له: آری، مصلحت دارد و تشخیص آن با پدر است؛ ولی اگر مفسده‌ای به همراه داشته باشد، جایز نیست. لازم نیست این مصلحت، مصلحتی خاص باشد؛ بلکه همین‌که از کودکی برای او همسری برگزیند، خود، نوعی مصلحت است.

پرسشگر: آیا این حکم، در گذشته تحقق یافته است؟

معظم‌له: بله، از قدیم، بسیاری از خانواده‌ها به این کار اقدام می‌کردند و مشکلی هم نمی‌آفرید. البته این امر باید زیر نظر حاکم باشد؛ یعنی به هر حال باید در دفترخانه رسمی، عقد نکاح را ثبت کنند؛ اما اگر مفسده‌ای در میان باشد، عقدشان نافذ نیست یا اگر بعداً معلوم شود که مفسده‌ای داشته یا خود پدر و مادر مصلحت را لحاظ نکرده‌اند، بحثی جداگانه دارد. ولی بحث ما مربوط به زمانی است که رشد کرده‌اند و در این صورت اگر چنین عقدی را نپذیرند، خودبه‌خود، فسخ می‌گردد؛ چون لحوق رضا، در صحت آن، شرط است؛ یعنی وقتی که صغیر، بالغ و رشید می‌شود، باید به این عقدی که در دوران طفولیت و صغرش انجام گرفته، راضی گردد و اظهار رضایت کند؛ وگرنه اگر صرف نظر از وجود مصلحت یا عدم آن، اظهار رضایت نکرد، عقد خودبه‌خود منحل می‌شود. هدف از این نوع ازدواج‌ها، ایجاد پیوندهای خانوادگی و حفظ نظم اجتماعی است.

پرسشگر: چنین عقدی، نظم اجتماعی را بر هم می‌زند.

معظم‌له: این خود، موجب نظم است.

پرسشگر: خود طفل چگونه می‌تواند این را تشخیص دهد؟

معظم‌له: ما گفتیم که خودش هم می‌تواند اقدام کند؛ ولی ازدواجش صحیح نیست؛ بدین معنا که امکان لحوق اجازه را دارد.

پرسشگر: آیا چنین عقدی نیاز به قصد ندارد؟

معظم له: بله، باید ممیز باشد و اگر ممیز نیست، پدرش می تواند او را تزویج کند؛ وگرنه باید قصد عبارت، از او متمسکی گردد. اما اگر ممیز بود، عقدش صحیح است، هرچند که به سن بلوغ نرسیده باشد. لیکن اگر پس از بلوغ، قصد خروج از این عقد را داشت، می تواند چنین کند وگرنه عقدش صحیح است.

پرسشگر: آیا دین هم چنین عقدی را امضا می کند؟

معظم له: دین، آن عقد را امضا نمی کند. معنای صحت عقد، صحت عبارت است؛ درست مانند عقد فضولی. بنابراین، صحت در اینجا به معنای عدم الغای عقد است، نه ترتب اثر کلی بر آن.

پرسشگر: آیا سن خاصی هم تعیین شده است؟

معظم له: سن خاص، جزء شرایط ازدواج نیست؛ بلکه مربوط به اصل ازدواج است؛ منتها این ازدواج، به شکلی است که اگر یک یا هر دو طرف آن بالغ نباشند، باید پدر آن را انجام دهد، نه خود صغیر. اما اگر صغیر، ممیز شد، خود نیز می تواند عقد را جاری کند؛ منتها تا به سن بلوغ نرسیده، به آن ترتیب اثر داده نمی شود؛ ولی اگر عقدی را که ممیز با اذن ولی جاری کرده، پس از بلوغ امضا کند، در اثر آن، زن و شوهر شرعی می گردند و همه احکام زوجیت با تمام لوازم آن، بر ایشان جاری می گردد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین